

## قدیمی ترین کتابفروشی طهران قدیم

۳۰ دی ۱۳۹۵ ساعت ۱۵:۲۲

او درباره‌ی قدیمی‌ترین کتابفروشی طهران نیز عنوان می‌کند: «کتابفروشی اسلامیة در خیابان پانزده خرداد از کتابفروشی ما قدیمی‌تر است». از میان شلوغی‌های بازار به خیابان پانزده خرداد نرسیده، به چهارراه سیروس می‌روم تا در بازار آهنگران، کتابفروشی اسلامیة را پیدا کنم.

ردپای قدیمی‌ترین کتابفروشی طهران را می‌توان از بازار پریچ و خم شلوغی گرفت که اکنون عنوان «بازار بزرگ طهران» را دارد. «تیمچه‌ی حاجب‌الدوله» راسته‌ای است نزدیک مسجد بازار که الآن پر از مغازه‌های لوازم‌التحریرفروشی است. حدود صد سال پیش، مغازه‌هایی که اکنون پر از دفتر و خودکارند، مغازه‌های کتابفروشی بوده‌اند که حالا دیگر از آن‌ها خبری نیست. برخی از کتابفروشی‌ها به باب همایون و ناصرخسرو رفته‌اند.

از مغازه‌داری قدیمی سراغ کتابفروشی‌های حاجب‌الدوله را می‌گیرم. می‌گویند: «از کتابفروشی‌های این راسته چیزی نمانده است. تنها کتابفروشی بازار، مغازه‌ی آخوندی‌ها توی بازار سلطانی است». از میان شلوغی بازاری که پر از جواهرات بدلی است، می‌گذرم و سریع چشمم کتابفروشی‌ای را با عنوان «مکتبه‌الاسلامیه» می‌یابد. صاحب کنونی کتابفروشی، حاج مرتضی آخوندی است که درباره‌ی کتابفروشی‌اش می‌گوید: «این کتابفروشی در سال ۱۳۲۷ توسط پدرم حاج شیخ محمد آخوندی تأسیس شده است. او که روحانی بود و اجتهادش را از آیت‌الله سیدحسن اصفهانی گرفته بود، از همان ابتدا کتاب‌های مذهبی می‌فروخت و اکنون نیز این کتابفروشی محل عرضه‌ی کتاب‌های مذهبی است».

او درباره‌ی قدیمی‌ترین کتابفروشی طهران نیز عنوان می‌کند: «کتابفروشی اسلامیة در خیابان پانزده خرداد از کتابفروشی ما قدیمی‌تر است». از میان شلوغی‌های بازار به خیابان پانزده خرداد نرسیده، به چهارراه سیروس می‌روم تا در بازار آهنگران، کتابفروشی اسلامیة را پیدا کنم. پیدا کردن کتابفروشی اسلامیة کار سختی نیست. کتابفروشی اسلامیة، مغازه‌ی متفاوتی است با در چوبی سفید و قدیمی که پر است از اطلاعیه‌هایی درباره‌ی کتاب‌ها و تابلویی قدیمی با عنوان «کتابفروشی اسلامیة».

وارد کتابفروشی که می‌شوم، گویی رفته باشی به تاریخ، کتابفروشی هنوز شکل اولیه‌ی خودش را حفظ کرده است. قفسه‌های چوبی با کتاب‌های جلد چرمی نفیس. بوی چوب و کاغذ در هوا پیچیده است. فروشنده‌ی مغازه می‌گوید، آقای کتابچی در چاپخانه است. چاپخانه‌ی اسلامیة را در کوچه‌ی کناری پیدا می‌کنم.

سیدجلال کتابچی که بعد از پدر و پدربزرگش، الآن کتابفروشی و چاپخانه را اداره می‌کند، درباره‌ی پیشینه‌ی کتابفروشی اسلامیة می‌گوید: «کتابفروشی اسلامیة را پدربزرگم سیدمحمدعلی کتابچی در سال ۱۲۸۰ در تیمچه‌ی حاجب‌الدوله‌ی بازار راه انداخته اما بعد از این که کتابفروشی‌های تیمچه‌ی حاجب‌الدوله آن‌جا را ترک کردند، پدرم کتابفروشی را در مکان وزارت دارایی سابق در ناصرخسرو، راه انداخت. اما در زمان رضاشاه که می‌خواستند آن‌جا وزارت دارایی را تأسیس کنند، او کتابفروشی را به باب همایون منتقل کرد. بعد از مدتی، پدرم سیداحمد کتابچی کتابفروشی کنونی را در خیابان پانزده خرداد خریداری کرد و کتابفروشی اسلامیة تا کنون در این‌جا پابرجاست. در ابتدا عنوان کتابفروشی ما «کتابفروشی علمی اسلامیة بود؛ اما چون عمویم با پدرم شریک بود، بعد از جدا شدنشان از یکدیگر، عنوان «علمی اسلامیة» برای عمویم ماند و ما نیز «اسلامیه» را انتخاب کردیم. سال ۱۳۰۰ نیز در کنار کتابفروشی، انتشارات اسلامیة را راه‌اندازی کردیم. کتاب‌ها اوایل از بمبئی و پاکستان وارد می‌شد؛ اما بعد با ظهور چاپ سنگی، قرآن و ادعیه را در چاپخانه‌ی خودمان، منتشر می‌کردیم تا این که حالا کتاب‌ها با دستگاه‌های افست منتشر می‌شوند. از او می‌پرسم این درست است که کتابفروشی شما قدیمی‌ترین کتابفروشی تهران است، می‌گوید: «قبل از پدربزرگم، کسان دیگری نیز کتابفروشی داشتند. اما کتابفروشی ما قدیمی‌ترین کتابفروشی است که از آن زمان تا کنون به فعالیت خودش ادامه داده است».

سیدجلال کتابچی درباره‌ی بهترین کتاب‌هایی که در طی این سال‌ها به چاپ رسانده است، می‌گوید: «تاکنون حدود ۷۰۰ کتاب چاپ کرده‌ایم که بهترین آن‌ها به نظرم، کتاب «شرح اصول کافی است» اما چاپ «وسائل الشیعه» در ۲۰ جلد ۷۰۰ صفحه‌ی نیز روزهای خاطره‌انگیزی برای من داشت. اما یکی از کتاب‌هایی که ۲۷ بار توسط تجدید چاپ شد، کتاب شش‌جلدی یکی از اساتید اهل فقه و استاد دانشگاه و زعیم مسجد امام خمینی (ره)، سیدحسن امامی، بود. مضمون کتاب دربرگیرنده‌ی حقوق مدنی و فقهی بود که هنوز در دانشگاه‌های حقوق و قضا تدریس می‌شود و جزو بهترین کتاب‌ها درباره‌ی قانون اسلامی و فقه مدنی است. او از بهترین خاطره‌ی خود از کتاب و کتابفروشی نیز یاد می‌کند و می‌گوید: «در زمان شاه کتابی را به نام «الایم علی (ع) نوشته‌ی «جورج جورداق» و با ترجمه‌ی «آیت‌الله شعرانی» چاپ کردیم که هم‌زمان با چاپ این کتاب، سیدصدرالدین بلاغی نیز ترجمه‌ای از این کتاب منتشر کرد و از آن‌جا که وی وابسته به جبهه‌ی ملی بود، در زمان شاه توسط تیمسار بختیار تحت تعقیب قرار گرفت و ساواک نسخه‌های چاپ‌شده‌ی او را ضبط کرد. از ترس این که کتابی را که ما نیز منتشر کرده بودیم، توقیف کنند، از میرزا عبدالله سعید تهرانی معروف به چهل‌ستونی (مسجدی که ایشان درش نماز می‌خواندند، ۴۰ ستون داشت) کمک گرفتیم. برادر بزرگم مرحوم سیداسماعیل خدمت حاج میرزا عبدالله رفت و جریان را به او گفت، او نیز در تماسی تلفنی از بختیار خواست که او را ببیند و به وی گفت که من گفته‌ام این کتاب را سیداسماعیل منتشر کند و کتاب زیر نظر من ترجمه شده است و مطالبی برخلاف مسائل حکومتی ندارد؛ در نتیجه، بختیار هم دستور رفع توقیف کتاب را داد. میرزا عبدالله هم تعریضی اول کتاب نوشت و هنوز امضای او را در اول کتاب داریم».

سیدجلال کتابچی درباره‌ی کتابفروشی‌های تیمچه‌ی حاجب‌الدوله می‌گوید: «این مکان حالا دیگر تجاری شده، کتابفروشی‌ها به باب همایون رفته‌اند. من حاجب‌الدوله را یادم نمی‌آید؛ اما شاگرد پیری داشتیم که با پدربزرگم در تیمچه کار می‌کرد، او

می گفت کتاب‌فروشی‌ها تا ظهر هیچ فروشی نمی‌کردند، دم ظهر می‌آمدند پیش پدر بزرگم، او هم به شاگردش پولی می‌داد تا غذایی تهیه کند و بعد همگی با هم می‌خوردند».

او درباره‌ی مخاطبان کنونی کتاب می‌گوید: «کتاب‌خوان‌ها حالا بیش‌تر از گذشته‌اند. شاید یکی از دلایل آن، کم بودن جمعیت در آن زمان و بی‌سواد بودن بیش‌تر جمعیت تهران بود؛ چون آن وقت‌ها بیش‌تر طبقه‌ی روحانی مخاطب کتاب‌های کتاب‌فروشی اسلامی‌ه بودند».

گردانندگان این کتاب‌فروشی از روز اول خانواده‌ی کتابچی‌ها یا به قول نوشته‌ی بالای سردر انتشارات اسلامی‌ه، اخوان کتابچی‌ها بوده‌اند؛ اما حالا سیدجلال کتابچی امیدوار است که با همکاری بردار و برادرزاده‌هایش، همچنان بتواند یکی از قدیمی‌ترین کتاب‌فروشی‌های تهران را در آینده نیز به همین روش حفظ کند تا این ریشه‌ی فرهنگی قطع نشود.

الآن هرکسی بورس کتاب را کتاب‌فروشی‌های راسته‌ی خیابان انقلاب می‌داند. اما برای یافتن قدیمی‌ترین کتاب‌فروشی میدان انقلاب به سراغ قدیمی‌های این راسته رفتیم. بعضی‌ها قدیمی‌تر از «نیل» و «علمی» و «طهوری» سراغ نداشتند؛ اما بعضی‌ها با اطمینان، «چهر» را قدیمی‌ترین کتاب‌فروشی این خیابان شلوغ و پرطرفدار می‌دانستند. حسین فریور، مؤسس این کتاب‌فروشی، تأسیس آن را مربوط به ۱۳۲۱ عنوان می‌کند و می‌گوید: «وقتی تازه ساختمان دانشکده‌ی طب از دانشگاه تهران را در انتهای باغ دانشگاه ساخته بودند، یعنی حدود سال ۱۳۲۱، مغازه‌ی خود را قدری جلوتر از مغازه‌ی کنونی باز کردیم، بعد از چند سال به خیابان فخررازی منتقل شدیم، و بالأخره روبه‌روی دانشگاه تهران مستقر شدیم و حالا حدود ۵۰ سال است که در این‌جا فعالیت می‌کنیم.» «چهر مخفف «چاپخانه‌ی همراهان روزنامه» از همان زمان افتتاح بر روی کتاب‌فروشی نقش بسته اما از ابتدا کتاب‌های طب و پزشکی را منتشر می‌کردیم و حتا با پیشنهاد یکی از اساتید دانشگاه تهران برای اولین بار جزوه‌های دانشگاهیان را به صورت کتاب منتشر کردیم. گشت و گذار در پی یافتن قدیمی‌ترین کتاب‌فروشی تهران تمام شد؛ اما نوستالژی کتاب‌های جلدچرمی و بوی کاغذهای قدیمی و گاهی همچنان پابرجاست.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۱۲۰۵/قدیم-طهران-کتابفروشی-ترین-قدیم/۲۱۲۰۵>